

حقوق حیوانات از منظر اسلام

* محسن جوادی

** اصغر مسعودی

چکیده

اسلام به حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آنها اهمیت زیادی داده، آن را در زمره «حق الله» دانسته، و همگان را در برابر حیوانات مسئول می‌داند. نفقه حیوان که شامل تغذیه، مسکن و درمان می‌شود، از مهم‌ترین حقوق حیوان است؛ به دلیل واجد شعور بودن و احساس داشتن حیوان، هر نوع کاری که موجب آزار و اذیت جسمی و روحی او شود و اسباب رنج او را فراهم آورد، مانند زدن، داغ نهادن، مثله کردن، بار کشیدن و سواری بیش از توان، دوشیدن با ناخن بلند، و رنج دادن هنگام ذبح روا نیست. این امور زشت و شیطانی شمرده شده است و همواره بر رفتار مشفقانه، صادقانه و عادلانه با حیوان تأکید شده است. همچنین لعن کردن حیوان و نیرنگ زدن بر او و جدایی افکندن بین حیوان و نوزادش اموری است ناپسند که از آن نهی شده است. نیز پناه دادن به جانداران بی‌آزاری که به منزل انسان پناه آورده‌اند پسندیده شمرده شده است. باید از حیوان بهره‌برداری صحیح کرد و حق کامیابی او را نادیده نگرفت. لذا عقیم‌سازی و به جان هم انداختن حیوانات ناپسند است. در اسلام، ما مکلف به رعایت حقوق حیوانات هستیم. پیامبر (ص) از هر موقعیتی برای بیان حقوق حیوانات و راه‌حل‌ها استفاده می‌کرد. همچنین، در اسلام، برای رعایت حقوق حیوانات از ثواب و عذاب الاهی، استفاده شده و به اجر و مزد اخروی و معنوی استناد شده است. اگر انسان‌ها در رعایت حقوق حیوان‌ها کوتاهی ورزند، معصیت‌کارند و در روز قیامت، مجازات می‌شوند. توجه اسلام به حیوانات توجه عام است و شامل حیوان حرام‌گوشت و حیوان مشرف به مرگ هم می‌شود. در اسلام، افزون بر بیان حقوق به علت‌های احکام نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: حقوق، حیوانات، اسلام، اخلاق زیست‌محیطی.

* استاد فلسفه دانشگاه قم.

** دانش‌آموخته دانشگاه قرآن و حدیث قم و رئیس دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه واحد کابل.

مقدمه

انسان خلیفه خداوند در زمین و گل سرسید هستی است. او خود را برترین موجود هستی می‌داند و هستی برای او آفریده شده است؛ ولی در اسلام، انسان مسئولیت گسترده‌ای دارد. او در برابر خود، خداوند، مردم و طبیعت و سایر مخلوقات مسئول و پاسخ‌گوست. در مکتب اسلام مسئولیت، موضوعی احساساتی و بی‌اساس نیست، بلکه ناشی از مسئولیت فقهی و حقوقی آدمی درباره هر موجودی است که به نوعی در کارگاه خلقت در مسیر خیر و دخالت در اهداف عالی‌ه انسانی قرار دارد. در دین مقدس اسلام جانداران حقوقی دارند و انسان‌ها در مقابل آنها مکلف و مسئول‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید: "وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ" (بقره: ۲۰۵)؛ چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و دام‌ها را نابود سازد، و خدا فساد را دوست ندارد.

در آیه شریفه فساد را به کشتزار و دام نسبت داده و نسل را به صورت مطلق بیان کرده، که اعم از نسل حیوان و انسان است.

علی (ع) در خطبه‌ای که در آغاز خلافتشان ایراد کردند، مردم را به تقوای الهی توصیه فرمودند و همگان را در برابر سرزمین‌ها و حیوانات مسئول شمردند: از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید که شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان و شهرها و آبادی‌ها هستید، زیرا (از همه چیز) حتی از خانه‌ها و حیوانات بازپرسی خواهید شد (بهج/البلاغه، خطبه ۱۶۷).

انسان به مثابه باعظمت‌ترین مخلوق خداوندی، عظیم‌ترین مسئولیت را نیز به عهده دارد (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴/۲۷). گرچه حق حیات، تغذیه، مسکن، تولید مثل و ... از حقوقی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، ولی گروهی دانسته یا ندانسته به حقوق حیوانات تجاوز کرده، از زیر بار مسئولیت عظیم الهی شانه خالی می‌کنند. گاه هزاران هکتار جنگل تخریب یا طعمه حریق می‌شود، غافل از آنکه آشیانه هزاران حیوان ویران شده و ساکنان آنها آواره و نابود می‌شوند.

همچنین در قرآن کریم آمده است که حیوانات برای انسان آفریده شده‌اند: "والانعام خلقها لكم" (نحل: ۵)؛ اما به هیچ روی این مطلب به معنای گرامی نبودن آنها نزد خداوند و نادیده گرفتن حقوق آنها نیست.

در این مقاله می‌کوشیم حقوق حیوانات را از منظر اسلام بیان کنیم. قبل از بیان حقوق حیوانات به ذکر چند نکته و اهمیت این حقوق می‌پردازیم.

۱. منظور از حقوق حیوانات، حقوق مساوی یا مشابه با انسان‌ها نیست؛ زیرا ساختار فکری و اجتماعی حیوانات بسیار ساده‌تر از انسان‌هاست. حیوانات به الگوهای پیشرفته اجتماعی و سیاسی نیاز ندارند، بلکه به آزادی، نور مناسب، فضای کافی برای نشان دادن رفتارهای طبیعی خود، غذای طبیعی و همراهی با هم‌نوعان خود نیاز دارند. وظیفه ما خودداری کردن از زیر پا گذاشتن حقوق طبیعی حیوانات است.
۲. احترام به حقوق حیوانات مستلزم علاقه به آنها نیست؛ همان‌طور که به حقوق انسانی تمام افرادی که با آنها در ارتباط هستیم، احترام می‌گذاریم، در حالی که لازم نیست آنها را دوست داشته باشیم. هرچند در اسلام بر شفقت و مهربانی با حیوانات تأکید شده است.
۳. مراد از حقوق حیوانات، حق حمایت است، زیرا آنان قدرت مطالبه حق خود را ندارند؛ بنابراین، ما مکلف هستیم به حمایت از آنها اقدام کنیم.

اهمیت حقوق حیوان

در خصوص حقوق حیوانات در اسلام سفارش زیادی شده است. سیره پیامبر و بزرگان دین بیانگر عنایت آن بزرگواران به حقوق حیوانات است. با توجه به اینکه حقوق حیوانات قابل اسقاط نیست، این وضعیت را دشوار می‌کند؛ زیرا تنها راه خروج از عهده آن، انجامش است؛ در حالی که در حقوق انسان‌ها می‌توان با جلب رضایت صاحب حق، از انجامش سر باز زد. از این‌رو، این سخن ارزشمند پیامبر (ص) بهتر تبیین می‌شود که در بیانی ظریف فرمود: «لَوْ غَفَرَ لَكُمْ مَا تَأْتُونَ إِلَيَّ الْبَهَائِمَ لَغَفَرَ لَكُمْ كَثِيرًا؛ اگر ستمی که به حیوانات می‌کنید، بر شما بخشوده شود، بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۶/۹، ح ۲۴۹۷۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۴/۳، ح ۴۵۲۰).

پیامبر خدا (ص) از دعای حیوان برای داشتن صاحبی نیکو می‌فرماید: «إِنَّ الدَّابَّةَ تَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَلِيكَ صِدْقٍ؛ یشبعنی، ویسقینی، ولا یحملنی ما لا اطیق؛ حیوانات می‌گویند: خدایا! صاحب خوبی نصیب من کن؛ کسی که مرا از آب و غذا سیر کند و بیش از توانم بر من بار نهد (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸۹/۲، ح ۲۴۷۷).

علی (ع) به حیوانات بیمار و شکسته‌پا و پیر نیز توجه دارد و از گرفتن آنها به جای زکات نهی می‌کند؛ زیرا این کار مستلزم حرکت دادن در مسیری طولانی است و بی‌تردید چنین حیواناتی در راه اذیت خواهند شد: «وَلَا تَأْخُذَنَّ عَوْدًا، وَلَا هَرْمَةً، وَلَا مَكْسُورَةً، وَلَا مَهْلُوسَةً، وَلَا دَاتَ عَوَارٍ» و به کارگزارش تأکید می‌کند که حیوانات را به فردی خیرخواه، مهربان، درستکار و امین بسپارد، تا آنها را آزار ندهد: «و بر آن مگمار

جز خیرخواهی مهربان، و درستکاری نگاهبان که نه بر آنان درستی کند و زیانشان رساند و نه مانده‌شان سازد و نه خسته‌شان گرداند». اهمیت حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آنها در اسلام به حدی محل تأکید واقع شده که علی (ع) در مقابل تمام هستی و اقلیم هفت‌گانه، حاضر به گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای به ناروا نیست: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقْلِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلاكِهِا، عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَشْلُبْها جِلْبَ شَعِيرَةٍ ما فَعَلْتُهُ». (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)

رسول خدا (ص) در خصوص نادیده انگاشتن حقوق حیوان بی‌اعتنا نیست و در موارد مختلف موضع‌گیری کرده است؛ از جمله این موارد زمانی است که دیدند شتری را بر در منزلی بسته‌اند، بدون آنکه آب و علفی، جلوی آن گذاشته باشند! پیامبر از شکایت حیوان سخن گفت و صاحبش را به خداترسی دعوت کرد: «أَلَا تَتَّقِي اللَّهَ فِي هَذِهِ التَّهِيمَةِ الَّتِي مَلَكَكَ اللَّهُ تَعَالَى إِيها؟! فَإِنَّهُ شَكَا إِلَيَّ أَنْكَ تُجِيعُهُ وَتُدْثِبُهُ؛ آیا درباره این بی‌زبانی (حیوانی) که خداوند در اختیار تو گذاشته است، از خدا نمی‌ترسی؟! او از درد و رنجی که به وی می‌رسانی، نزد من شکایت کرد (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۷/۹ ح ۲۴۹۸۲).

و در جای دیگر فرمودند: «این صاحب هذه الراحلة؟ ألا تتقى الله فيها؟ اما أن تعلقها و اما أن ترسلها؛ حتی تبتغى لنفسها» (همان: ۶۷/۹ ح ۲۴۹۸۳). صاحب این حیوان کجاست؟ آیا از عذاب الاهی نمی‌ترسی به خاطر این رفتاری که با این حیوان کرده‌ای؟! یا آب و علف او را تدارک ببین و برایش مهیا کن، و یا آن را آزاد گردان تا خودش چیزی برای خوردنش بیابد.

در این حدیث، رسول خدا (ص) ضمن هشدار به صاحب حیوان دو راه جلوی صاحب حیوان قرار می‌دهد که یا به تغذیه حیوان توجه کند، یا آن را رها کند. نکته مهم این است که پیامبر (ص) به ناراحت شدن درونی اکتفا نمی‌کند، بلکه از رنج و درد شتر و شکایت آن سخن گفته، و با این بیان که خداوند این را در اختیار تو گذاشته وجدان صاحب شتر را به این مطلب سوق می‌دهد که این نعمت‌ها امانت‌های الاهی است و به دنبال این است که توجه دائمی صاحب شتر را به حقوق حیوان جلب کند.

رسول خدا (ص) زمانی حکایت زنی را که به خاطر بستن گریه‌ای مستوجب آتش شده بیان می‌کند: «عَذَّبَتْ امْرَأَةٌ فِي هِرٍّ رَبَطَتْهُ حَتَّى ماتَ، وَلَمْ تُرْسِلْهُ فَيَأْكُلْ مِنْ خَشاشِ الْأَرْضِ، فَوَجِبَتْ لَهَا النَّارُ بِذَلِكَ» (همان: ۷/۱۶، ح ۴۳۶۹۵ عن جابر)؛ زنی به سبب آنکه

گره‌ای را بسته بود و اجازه نمی‌داد برای غذای خود شکار کند و بدین سبب مُرد، کيفر داده شد و مستوجب آتش [دوزخ] گشت.

استفاده پیامبر برای رعایت حقوق حیوانات از هشدار عذاب الاهی، ضمانت اجرایی حقوق حیوانات را بالا می‌برد.

سواده بن ربیع نزد پیامبر (ص) آمد. حضرت، چند شتر به او بخشید و فرمود: "وقتی پیش اهل خود رفتی، به ایشان امر کن تا غذای چارپایان را خوب بدهند و ناخن‌ها را بگیرند تا هنگام دوشیدن، پستان آنها را خراش ندهند و زخم نکنند (ابن‌سعد، بی‌تا: ۴۸/۷ و ۱۸۴).

رسول رحمت (ص) می‌فرمود: موی پیشانی اسبان را نچینید، زیرا خیر در آنهاست. موی یال آنها را مچینید، چون آنها را گرم می‌کند (این یال، در تابستان نیز سایه‌بان گردن اسب‌هاست). دم آنها را نچینید و کوتاه نکنید، زیرا پشه‌پران آنهاست (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷۳/۶۴، ح ۲۵؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۵۲/۳ و ۳۶۳).

از این روایات درمی‌یابیم که در اسلام از زوایای مختلفی به حقوق حیوانات توجه شده است، و به این نکات توجه می‌شود که انسان شاکر نباید به حیوانات آزار برساند و دوشیدن شیر با ناخن‌های بزرگ، ضمن آزار رساندن به حیوان، ناسپاسی از خداوند سبحان نیز هست. نباید به چیزی که وسیله برکت شده آسیب و آزار برسانیم. اهمیت حق حیوان در فقه اسلامی، تا آنجاست که در مواردی، آن را در زمره حق‌الله دانسته‌اند. نجفی، صاحب جواهر، در بحث ودیعه می‌نویسد: اگر مالک حیوان، به شخصی که حیوان را به امانت گرفته، بگوید به آن آب و علف نده، دستور او پذیرفتنی نیست و آب و علف دادن حیوان، واجب است؛ زیرا باید حق‌الله رعایت شود (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۱۱/۲۷).

در اینجا به اختصار به حقوق مختلف حیوان می‌پردازیم تا ضمن توجه اسلام به گستره حقوق حیوانات، به اهمیت و جامعیت این دین آسمانی بیشتر واقف شویم.

حق تغذیه

از مهم‌ترین حقوق حیوان بر صاحبش، تأمین غذای حیوان است؛ یکی از مصادیق صدقات، غذا دادن به حیوانات ذکر شده و برای آن ثواب بسیاری زیادی وارد شده است که نشان از اهمیت دادن اسلام به تغذیه حیوانات دارد. قرآن کریم به فراهم کردن نیازهای ضروری و احتیاج‌های حیاتی حیوان‌ها اشاره کرده، آن را در کنار انسان‌ها ذکر کرده است: "وَ كَأَيُّ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ

رَزُقُهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" (عنکبوت: ۶۰)؛ چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند، او و شما را روزی می‌دهد و او شنوا و داناست. همچنین تصریح شده است که روزی انسان و حیوان بر عهده خداوند است: «اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ». خداوند خود را روزی‌دهنده حیوانات می‌داند: "وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا" (هود: ۶) و از طرفی بسیاری از حیوانات توان حمل روزی خود را ندارند: "وَ كَأَيُّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تُحْمِلُ رِزْقُهَا" (عنکبوت: ۶۰).

اسلام عنایت ویژه‌ای به نیازهای حیاتی حیوانات دارد، به گونه‌ای که آن را در کنار نیازهای حیاتی بشر آورده است؛ قرآن کریم پس از دستور کَلُوا دستور به وَارِعُوا أَنْعَامَكُمْ داده است: "كُلُوا وَارِعُوا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ" (طه: ۵۴) "رعی" به معنای چرانیدن است. "ارعوا أنعامكم"؛ یعنی، دام‌های خود را به چرا ببرید تا از نباتات رویانیده‌شده تغذیه کنند.

در آیه‌ای دیگر پس از يَأْكُلُ النَّاسُ به ذکر الْأَنْعَامُ پرداخته است: "إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ" (یونس: ۲۴). در مورد دیگر، پس از مَتَاعاً لَكُمْ، لِأَنْعَامِكُمْ ذکر شده است: "مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ" (نازعات: ۳۳؛ عبس: ۳۲).

در آیه‌ای دیگر ابتدا انعام و سپس انفس را ذکر می‌کند و تقدم انعام بر انفس، خود، می‌تواند دلیل اهمیت دادن اسلام به تغذیه حیوان را بیان کند. از آیه "فكَلُوا مِمَّا امسكَن عَلَيْكُمْ" نیز می‌توان استفاده کرد که لازم است انسان قسمتی از شکار درندگان شکاری را برای خود آنها کنار بگذارد، زیرا "من" در "مما امسکن" برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین، به نظر می‌رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکارکننده باشد.

گناه انسان در نابودی حیوانات نقش دارد. از این‌رو بر انسان لازم است به خاطر جلوگیری از نابودی حیوانات از گناه اجتناب کند. قرآن در این خصوص می‌فرماید: "وَ لَوْ يُوَاقِدُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا مِنْ دَابَّةٍ" (فاطر: ۴۵)؛ هر گاه خداوند مردم را به کارهایی که انجام داده‌اند مجازات کند جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت!

تعبیر "دابة" هر جنبنده‌ای، از جمله غیرانسان، را شامل می‌شود، یعنی آنان هم به خاطر مجازات انسان‌ها از میان خواهند رفت.

در متون فقهی در خصوص نفقه حیوانات آمده است که اگر کسی حیوانی را مالک شود، رسیدگی و نفقه آن حیوان بر اوست؛ خواه حلال‌گوشت باشد یا حرام‌گوشت. پرنده

و غیرپرنده نیز فرقی ندارد. زیرا هر کدام برای خود حرمتی دارند ... طوسی در مبسوط می‌نویسد: "اذا ملک بهیمة فعلیه نفقتها سواء کانت مما یوکل لحمها او لایوکل لحمها، والطیر و غیر الطیر سواء لان لها حرمة" (طوسی، ۱۳۷۸: ۴۷/۶).

هر گاه شخص، مالک حیوانی شود، واجب است هزینه آن را برآورد کند و در این حکم، فرقی بین حیوانی که گوشت آن را می‌شود خورد و حیوانی که گوشت آن را نمی‌شود خورد، نیست. و پرنده و غیرپرنده مساوی است. زیرا حیوان حرمت دارد. این نکته که حیوان حرمت دارد در روایات زیادی به آن تصریح شده است و نکته‌ای کلیدی در رعایت حقوق حیوانات است: ابوذر می‌گوید شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود: حیوان می‌گوید پروردگارا! به من مالکی که اهل راستی باشد و سیرم کند و سیرابم سازد و مرا به کاری افزون بر توان وادار نکند، روزی نما (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۶/۱۱، ح ۲).

از این روایت و روایاتی مانند آن می‌توان به اهمیت تغذیه و رابطه حیوان با خالق هستی و درک و شعور آن پی برد. پیامبر اعظم (ص)، نهی فرمود از اینکه آنچه را مورچه با دست و دهان حمل می‌کند، بخورند (دمیری، بی‌تا: ۲۶۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۱/۶۴، ح ۱۲؛ دُمیری، بی‌تا: ۳۷۰/۲). این حدیث برای تلاش و دست‌رنج مورچه ارزش قائل شده است.

پاداش نیکویی به حیوانات از دیدگاه پیامبر (ص)

در روایت آمده است که از رسول خدا (ص) پرسیدند آیا خوبی کردن به حیوانات، پاداش دارد؟ فرمود: «آری! برای خنک کردن هر صاحب جگر تشنه‌ای، اجری است» (دُمیری، بی‌تا: ۳۷۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵/۶۵ ذیل ح ۲۴؛ و نیز نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۶/۳، ح ۴۵۳۲؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۵۹/۳۱).

نوشته‌اند که پیامبر اسلام هنگامی که وضو می‌گرفت، گربه‌ای نزد او آمد. پیغمبر دانست که آن حیوان تشنه است. ظرف آب را به طرفش برد و گربه آب نوشید. سپس ایشان نیز وضو گرفت (دُمیری، بی‌تا: ۳۸۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳/۱۶، ح ۱۶۰).

آمزش به سبب سیراب کردن سگ

از رسول اعظم (ص) نقل شده است که فرمود: زنی بدکاره، سگ تشنه‌ای را دید که بر سر چاهی له له می‌زند و چیزی نمانده بود که از تشنگی هلاک شود. آن زن کفش خود را درآورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله آن از چاه آب کشید و سگ را سیراب کرد. خداوند به خاطر احسان

به این حیوان، گناهان او را آمرزید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۶/۳، ح ۴۵۳۲؛ دُمیری، بی‌تا: ۳۷۸/۲؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۵۹/۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵/۶۵، ذیل ح ۲۴).
سعدی در باب دوم بوستان (خزائلی، ۱۳۷۰: ۱۷۵) این داستان را به صورت شعر بیان کرده است:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت	برون از رمق در حیاتش نیافت
کله دلو کرد آن پسندیده کش	چو حبل اندر آن بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو گشاد	سگ ناتوان را کمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد	که ایزد گناهان او عفو کرد

نجفی، صاحب *جوهر*، در بحث ودیعه می‌نویسد: "بر امانت‌گیرنده لازم است حیوان را سیراب کند و آن را علف دهد. در این حکم اختلاف و اشکالی نیست؛ بلکه می‌توان بر آن تحصیل اجماع کرد. به این معنا که باید آب و علوفه را آن‌گونه که عادت است برای حیوان فراهم آورد؛ زیرا این کار از بایسته‌ها و ضرورت‌های حفظ است که وی به آن امر شده است. خواه مالک، او را به این کار فرمان داده باشد، یا خیر (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۰۸/۲۷). محقق حلی نیز در این باره می‌نویسد: اگر مالک حیوان بگوید به آن آب و علف نده، بر امانت‌گیرنده، پذیرش سخن او روا نیست، بلکه بر او واجب است حیوان را آب و علف دهد (حلی، ۱۴۰۸: شرایع الاسلام: ۱۰۳/۲).

دلیل این حکم در روایات چنین آمده است: خداوند تبارک و تعالی سیراب کردن جگر هر تشنه‌ای را دوست دارد و هر که جگر تشنه‌ای را سیراب کند خواه حیوان باشد و خواه غیر آن خداوند او را در روز قیامت در زیر سایه (رحمت) خود قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۵/۶۵، ذیل ح ۲۴؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۶/۳، ح ۴۵۳۲؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۵۹/۳۱). عبارت «لکونه ذا کبد حراء» می‌تواند اشاره به فراگیری حکم نسبت به جانداران خوراکی و غیرخوراکی و ناظر به جنبه مهرورزانه مسئله باشد و می‌توان حکم یادشده را به جانداران غیراهلی، که زیان و خطری برای انسان ندارند و پدید نمی‌آورند، گسترش داد (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳: ۲۵۰/۲، بحث اطعمه و اشربه).

غصب علوفه برای نجات جان

در اسلام حق مالکیت و سلطنت هر فرد بر اموالش محترم و تصرف غاصبانه حرام است و شخص غاصب مستوجب عذاب الهی است؛ ولی تصرف در اموال دیگران برای نجات جان حیوان تجویز شده است؛ همان‌طور که این کار برای نجات جان انسان جایز است.

در این باره علامه حلی آورده است: اگر مالک حیوان، آذوقه نداشته باشد و تنها نزد شخصی یافت شود که از فروش آن امتناع می‌ورزد، مالک می‌تواند او را اجبار کرده و با غضب، آذوقه حیوان را همانند تهیه غذا برای حفظ جان خود تهیه کند (حلی، ۱۴۱۳: قواعد الاحکام، ۱۱۸/۳؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۳۹۶/۳۱).

فاضل هندی در بیان علت این حکم می‌گوید: "زیرا انسان و حیوان در احترام روح و لزوم نفی ضرر مشترک‌اند" (فاضل اصفهانی هندی، ۱۴۱۶: ۶۱۲/۷). در تذکره، جامع المقاصد، مسالک و روضه آمده است: اگر در ساخت کشتی، تخته‌ای غضبی به کار رود، در صورتی که با کندن آن تخته، نفس محترمی از بین نرود، این کار واجب است. مثل اینکه تخته در قسمت بالای کشتی به کار رفته باشد؛ ولی اگر شخص غیرغاصب که از غضب آگاهی ندارد، دارای حیوان در آن کشتی باشد و با کندن تخته غضبی، جان آن به خطر افتد، این کار واجب نیست و بنا به گفته محقق اردبیلی، در این حکم، اختلافی نیست؛ زیرا جان حیوان محترم است، خواه از آن غاصب باشد یا از آن غیر (نجفی، ۱۳۶۷: ۷۷/۳۷).

تقدم جان حیوان بر وضو

نماز در اسلام ستون و عماد دین معرفی شده است و در میان عبادات چنان اهمیتی دارد که در هیچ حالی ساقط نمی‌شود. یکی از مقدمات نماز طهارت است. حال اگر مقداری آب باشد که تنها برای یکی از دو عمل طهارت و رفع تشنگی حیوان کفایت کند، در مزاحمت میان عبادت و حق حیوان فقها تبدیل طهارت مائیه به ترابیه فتوا داده‌اند و فرموده‌اند آب را باید برای حیوان استعمال کرد و برای نماز تیمم کرد. البته جواز تیمم و سیراب کردن حیوان را برخی از باب نفس محترم و برخی از باب حفظ مال و دفع ضرر مالی طرح کرده‌اند. شهید ثانی در این باره می‌گوید: از شرایط جواز تیمم، ترس از عطشی است که برای نفس محترمه‌ای گرچه حیوان باشد به وجود آمده و یا انتظار می‌رود به طور معمول و یا بر اساس قرائن و شواهدی، به وجود آید و در آنجا آبی یافت نشود (جبلی عاملی، ۱۳۷۲: ۴۴۸/۱).

برخی مانند محقق حلی (حلی، ۱۳۶۴: ۳۶۸/۱) و صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۲) و محدث بحرانی (بحرانی، ۱۳۶۳: ۲۹۰/۴) جواز تیمم را مبتنی بر نیاز به حیوان و دفع ضرر مالی دانسته‌اند.

شهید ثانی معتقد است اگر میان دو حیوان، مثل سگ و گوسفند، تعارض پیش بیاید و آب و غذا برای رفع تشنگی هر دو کافی نباشد گوسفند مقدم است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۲۰/۱۲)، ولی نجفی، صاحب جواهر، به موجب امکان ذبح گوسفند و بهره‌برداری از

گوشت آن در تقدم گوسفند اشکال می‌کند و می‌نویسد: "فیه منع، بل قد یقال باولویة الکلکب لامکان ذبح الشاة بخلاف الکلکب" (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳۶/۳۶). زیرا می‌توان گوسفند را سر برید و از آن استفاده کرد، ولی این کار در خصوص سگ، ممکن نیست.

جواز وقف مال برای غذای حیوانات

متعلق وقف باید امر راجح و پسندیده باشد و وقف در امر ناپسند، صحیح نیست. از جمله مواردی که در اسلام به آن اشاره شده و جالب توجه است، جواز وقف برای حیوان است. حلی پس از اشاره به جواز وقف برای خدمت به کعبه و مرقد شریف پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع)، حکم به جواز وقف برای علف دابه در راه خدا می‌کند (حلی، ۱۳۷۲: ۴۳۰/۲).

حق نظافت و بهداشت

در اسلام رعایت بهداشت و نظافت و پرهیز از آلودگی جایگاه برجسته‌ای دارد. رسول خدا (ص) همواره امتش را با بیان‌های مختلف به پاکیزگی ترغیب می‌کرد: "خداوند طیب و پاک است و پاکیزگی را دوست دارد؛" و هر قدر که می‌توانید نظافت کنید، خداوند متعال اسلام را بر نظافت و پاکی بنا نهاده است، و به جز پاکان هرگز کسی داخل بهشت نمی‌شود؛ "آب‌های آشامیدنی زمانی گواراست که از هر گونه آلودگی خالص باشد: «خالصاً سائِغاً لِلشَّارِبِینَ». گوارا بودن، باید برای همه مصرف‌کنندگان باشد، نه تنها انسان‌ها، و بنابراین فرموده: «سائِغاً لکم»، بلکه فرمود: «سائِغاً لِلشَّارِبِینَ». (قرآنی، ۱۳۸۳: ۴۱۸/۶).

در اسلام بهداشت و پاکیزگی حیوان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در خصوص رعایت بهداشت آذوقه حیوان از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: عبدالله بن سنان در حدیثی درباره گوسفند از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: پیامبر (ص) فرمود: جای نگهداری و آغل گوسفند را پاکیزه نگه دارید و آب بینی آن را پاک کنید (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، ۵۰۸/۱۱، ابواب احکام الدواب، باب ۲۹، ح ۳).

مجلسی می‌گوید همین روایت در اکثر نسخه‌های کافی با لفظ "رغامها" ذکر شده است. رغام به معنای خاک است که در این صورت معنای حدیث این‌گونه می‌شود: "گرد و خاک را از آنها پاک کنید و ظاهرشان را مرتب کنید" (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۰/۶۱).

به حدی بر اهمیت نظافت خوابگاه حیوان در اسلام تأکید شده که در روایت آمده است: آن‌گونه استراحت‌گاه حیوان را تمیز کنید که بتوان در آن نماز برپا کرد: "عن سلیمان بن جعفر الجعفری رفعه قال: قال رسول الله (ص): امسحوا رغام الغنم، وصلوا فی مراحلها فانها دابة من دواب الجنة"

(حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، ۵۱۳/۱۱، باب ۳۰، ح ۱۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۶۴۲/۲). آب بینی گوسفند را پاک کنید و در آغوش نماز بگذارید؛ زیرا او حیوانی از حیواناتی است که بهشت است. از این روایت نیز توجه زیاد اسلام به بهداشت، نظافت و درمان حیوان فهمیده می‌شود؛ روایت شده تمیم داری، که امارت بیت المقدس را بر عهده داشت، روزی سرگرم پاک کردن جو برای اسبش بود. به او گفته شد: بهتر بود این کار را دیگری انجام می‌داد! تمیم پاسخ داد: شنیدم رسول خدا (ص) می‌فرمود: هر کس برای اسبش جو پاک کند و به اسب بخوراند، خداوند در برابر هر دانه جو، یک حسنه برای او می‌نویسد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۶۴).

حق درمان

از جمله کارهایی که مالک در بهداشت حیوان باید انجام دهد، درمان آن است. روایاتی که مهربانی به حیوانات را به ما سفارش می‌کند و دستور به رعایت حقوق آنها می‌دهد، دربرگیرنده درمان آنها نیز هست. فقها درمان را جزء نفقه حیوان به حساب آورده‌اند؛ شهید ثانی در بحث ودیعه مسالک می‌نویسد: "وفی حکم النفقة علی الحيوان ما یفتقر الیه من الدواء لمرض" (عاملی، ۱۴۱۳: ۳۰۵/۱)؛ در حکم هزینه حیوان است، دارویی که بر اثر بیماری بدان نیازمند است. از سوی دیگر، یکی از راه‌های انتقال برخی بیماری‌ها از طریق حیوانات است. بنابراین، ما وظیفه داریم در سلامت خود و جامعه تلاش لازم را انجام دهیم. از این‌رو باید به درمان حیوانات بیمار پردازیم.

حق مسکن

یکی از حقوق حیوان، برخورداری از مکان مناسب است. مکان استراحت و آرامش از جمله نیازهای اولیه حیوان است، که کوتاهی ورزیدن در این امر، افزون بر آنکه مورد نکوهش عقل است، از مصداق‌های آزار و اذیت حیوان است و شرع مقدس نیز آن را سرزنش کرده است؛ از این‌رو، بر مالک حیوان واجب است مکانی شایسته و مناسب با حیوان و برابر با عرف زمان و مکان برای حیوان تهیه کند، گرچه از حیوان استفاده نکرده یا حیوان مشرف به مرگ باشد. پیامبر خدا (ص) فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی نرم‌رفتار است و نرم‌رفتاری را دوست می‌دارد و بدان خرسند می‌گردد و برای آن چنان یاری می‌رساند که برای بدرفتاری چنان نمی‌کند. پس هر گاه بر این چهارپای زبان‌بسته سوار شدید، آن را در منزلگاه‌هایش فرود آورید (یعنی آن را در جاهایی که برای استراحت آنها در جریان مسافرت آماده کرده‌اید، استراحت دهید) (الزرقانی المصری الازهری، ۲۰۰۳/۱۴۲۴: ۶۲۴).

پیامبر (ص) فرمود کسی که اسبی را برای رضای خدا به استراحت‌گاهش ببرد و به او آب و علف بدهد و جایش را جارو کند، در تروازی اعمالش در روز قیامت محاسبه می‌شود و پاداش دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۵/۶۴، ح ۹).

نجفی، صاحب جواهر، حق مسکن برای حیوان را در ردیف حق نفقه او می‌شمارد و می‌نویسد: واجب است برای برآوردن نیازهای حیوان از خوراکی و آب و مکان به تلاش برخاست (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۹۵/۳۱).

محقق حلی نیز در بحث ودیعه شرایع می‌نویسد: بر امانت‌گیرنده روا نیست حیوان را از خانه خود بیرون کند ... مگر از روی ناگزیری، مثل اینکه نتواند در منزل خود به او آب و علف بدهد و عذرهایی مانند این (حلی، ۱۴۰۸: ۱۰۳/۲).

تهیه نیازمندی‌های حیوان، همچون محل استراحت که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر می‌کند، واجب است. یکی از وظایف مهم در خصوص حیوانات جداسازی مکان حیوانات است. برای مثال، نباید بز را با میش در یک مکان قرار دهند.

در رسیدگی به حیوان، در نظر گرفتن عرف، به حسب زمان و مکان لحاظ شده است؛ شهید ثانی در این باره می‌گوید: «تجب النفقة ... والمکان من مراح و اصطبل یلیق بحالها و این کانت (البهیه) غیر منتفع بها أو مشرفه علی التلف»؛ نفقه حیوان واجب می‌باشد ... مکان استراحت و طولیه متناسب جزء نفقه می‌باشد، هرچند از حیوان نفعی برده نشود یا در حال تلف شدن باشد. (جبلی عاملی، ۱۳۷۲: ۴۸۲/۵).

نهی از خراب کردن آسایشگاه حیوانات

لانه یا پناهگاه، محل آسایش هر جاننداری است. ویرانی آن باعث آزار روحی و جسمی وی می‌شود. احادیث و روایاتی از خراب کردن لانه حیوانات نهی کرده است. رسول خدا (ص) لانه مورچهای را دید که صحابه سوزانده بودند، پرسید: «من حَرَّقَ هذه؟» چه کسی این را سوزانده است؟ گفتند: ما. فرمود: «إنه لا ینبغی أن یعدَّب بالنار إلا رب النار؛ همانا نمی‌سزد که جز پروردگار آتش، کسی به آتش عذاب کند (دمیری، بی‌تا: ۱۹۱/۱ و ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۶۴، ۷۲ و ۳۰۷).

نهی از ادرار کردن در لانه خزندگان

در روایات و کتب فقهی از ادرار کردن در لانه خزندگان و آب نهی شده است؛ زیرا یکی از دلیل‌های مهم آن این است که این کار باعث اذیت و آزار حیوانات می‌شود. شهید ثانی می‌گوید:

بول کردن در آب جاری و راکد به موجب علتی که در روایات ذکر شده مکروه است؛ زیرا فرمودند حیواناتی در آب زندگی می‌کنند و با بول کردن آنها را اذیت نکنید (جلیلی عاملی، ۱۳۷۲: ۳۴۲/۱).

حق احترام

اسلام برای حیوان احترام ویژه‌ای قائل شده است. این احترام در جلوه‌های مختلف نمود یافته است. پیامبر خدا (ص) فرمود: چارپایان سالم را سوار شوید و آنها را سالم نگه دارید و آنها را کرسی خطابه و صحبت‌های خود در کوچه‌ها و بازارها نکنید؛ زیرا بسا مرکوبی که از سوارش بهتر باشد و بیشتر از او خداوند تبارک و تعالی را یاد کند (الشریف الرضی، ۱۴۱۴: ۶۱۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۴۰۸/۱۲).

طبق روایت انس، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: بر مالک چارپایان واجب است به دلیل حرمت روحی که در حیوان است به آنها آب و علف بدهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۶۴).

سفارش دفن شتر

امام صادق (ع) می‌فرماید: امام سجاد (ع) هنگام رحلت، به فرزند خود، محمد (ع) فرمود: من با این شتر خود، بیست حج انجام داده‌ام و [در این مدت] یک تازیانه به آن نزد، پس هر گاه مُرد، آن را به خاک بسیار تا خوراک درندگان نشود؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود: هر شتری که در هفت سفر حج، بر عرفه، وقوف پیدا کند، خداوند او را از حیوانات بهشت قرار داده در نسلش برکت دهد. امام محمد باقر (ع) پس از مردن آن شتر، گودالی کند و او را به خاک سپرد (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، ۵۴۱/۱۱، ابواب احکام الدواب، باب ۵۱، ح ۱).

نهی از نوشاندن حرام

نیز در روایت آمده است: "عن ابی عبدالله (ع): ان امیر المؤمنین (ع) کره أن تسقی الدواب الخمر" (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، ۳۰۸/۲۵، ابواب الاشریة المحرمة، باب ۱۰، ح ۴)؛ امام صادق (ع) فرمود: امیر المؤمنین (ع)، نوشاندن شراب را به جانداران ناپسند می‌دانست: "عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن البهیمة البقرة و غیرها تسقی او تطعم ما لایحل، قال: نعم یکره ذلک" (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، ۳۰۹/۲۵، ح ۵)؛ از امام صادق (ع) پرسیدم می‌توان به حیوان، گاو و غیر آن، چیز غیر حلال، نوشاند یا خوراند؟ فرمود: آری این کار ناپسند است.

آزار و اذیت حیوان

در اسلام همواره بر رفتاری آکنده از شفقت و مهربانی با حیوان تأکید شده است. اسلام انسان را نیز از هر گونه آزار و اذیت حیوانات (اعم از جسمی و روحی) به دلیل ذی‌شعور بودن و صاحب درک و احساس بودن به شدت نهی کرده است. بر اساس آموزه‌های اسلام، تحمیل رنج و درد بر مخلوقات بی‌گناه و بی‌دفاع خداوند در هیچ شرایطی جایز نیست. از روایات متعددی که در موارد مختلف ذکر شده، به دست می‌آید که هر نوع کاری که موجب آزار و اذیت حیوان شده و اسباب رنج و تعذیب او را فراهم آورد، مانند شلاق زدن، داغ نهادن، فلج کردن، مثله کردن، بار کشیدن و سواری بیش از توان، دوشیدن شیر با ناخن‌های بلند، و رنج دادن حیوانات هنگام ذبح آنها روا نیست.

قرآن هر گونه آزار و اذیت کردن حیوان‌ها را، مانند بریدن گوش و دم و ... کاری زشت و شیطانی شمرده است و از آن به عنوان خسارتی بزرگ یاد می‌کند: "وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَ لَا أَمْنِيَّتَهُمْ وَ لَا مَرْئِيَّتَهُمْ فَلَيَتُنَكَّنَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَا مَرْئِيَّتَهُمْ فَلَيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَّلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا" (نساء: ۱۱۹)؛ و آنان را گمراه می‌کنم، و به آرزوها سرگرم می‌سازم، و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (و فطرت توحید را به شرک بیالایند)، و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

نهی از زدن حیوان

در روایات از زدن به ویژه از زدن به صورت حیوان نهی شده است و در بیان علت، ذکر شده است که هر چیزی برای خود حرمتی دارد و حرمت حیوان در صورت اوست. در برخی دیگر از روایات، حمد و ثنا گفتن حیوان را از دلایل نهی از زدن بر صورت حیوان ذکر کرده‌اند: به صورت حیوانات نزنید؛ زیرا آنها خدا را حمد و تسبیح می‌گویند (کلینی، ۱۳۶۵، ۵۳۸/۶، ح ۴).

پیامبر (ص) می‌فرماید: به صورت حیوانات نزنید، چون هر موجودی، تسبیح‌گوی خداست. صورت آنها را داغ نکنید، زیرا چه بسیارند مرکوب‌هایی که از راکبشان بهترند و بیشتر مطیع خدای‌اند و بیش (از کسی که بر آنها سوار است) خدا را یاد می‌کنند (الشریف الرضی، ۱۴۱۴: ۱۷؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۵۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۵/۶۴، ح ۲۸ و ۲۲۷، ح ۱۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۵۳۸/۶؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۶/۳، ح ۴۵۲۸).

امام سجاده، زدن حیوان را موجب قصاص می‌داند. این نکته دلیلی است واضح بر ناپسندی این عمل و حرمت آن. پس انسان نمی‌تواند بی‌جهت حیوان را شلاق بزند. ابراهیم بن علی از پدرش نقل می‌کند که با امام سجاده (ع) به حج رفته بودم، در مسیر شتر در راه رفتن سستی و کندی نشان داد. در این هنگام امام سجاده (ع) چوبدستی خود را بلند کرد و نشان حیوان داد و آنگاه فرمود: «آه! اگر ترس از قصاص نبود این کار را انجام می‌دادم. سپس دست مبارک خود را پایین آورد و چوبدستی را از جلوی چشم حیوان دور کرد (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۴۸۵/۱۱، باب ۱۰، ح ۱۵).

نوشته‌اند که شتر حکم بن حارث از جا برنمی‌خاست و او نیز آن را می‌زد. پیامبر به او فرمود: شتر را نزن! و به شتر گفت: «حُلْ حُلْ!» شتر از جا برخاست (ابن اثیر، بی‌تا: ۳۱/۲).

پیامبر اسلام، یک اعرابی را دید که با عصا گوسفندان خود را می‌زد. فرمود: «او را بیاورید؛ اما او را نترسانید!» وقتی او را آوردند، به او فرمود: «گوسفندان را با عصا مزن، بلکه به رفق و نرمی، آنها را پیش و پس کن» (همان: ۳۳۶/۱).

موارد جواز زدن حیوان

در برخی روایات ذکر شده است که حیوان را بر لغزش بزیند و در برخی آمده است برای نافرمانی بزیند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «اضربوها علی الثَّغَارِ، وَلَا تَضْرِبُوهَا عَلَی الْعِثَارِ»؛ حیوان را برای چموشی و سرکشی کردن بزیند؛ اما برای لغزیدن بزیند (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۳۹/۶، ح ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۶۴، ح ۲۴).

و نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: حیوانات را بر لغزش بزیند اما برای سرباز زدن از راه رفتن بزیند؛ زیرا آنها چیزهایی را می‌بینند (که موجب حیرت آنها و توقفشان می‌شود) و شما نمی‌بینید (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۰۹: ۴۸۸/۱۱، ب ۱۳، من ابواب احکام الدواب، ح ۴).

در جمع این دو نوع روایات مجلسی احتمال می‌دهد که هر یک از دو دسته روایات نهی از ضرب بر عثار و نفار مخصوص به موقعیتی خاص بوده است؛ مثلاً عثار به سبب کسالت حیوان و نفار به موجب دیدن شبیهی از دور و ترس از آن باشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۲/۶۱-۲۰۳). حر عاملی سایر روایاتی را که اشاره به ضرب بر نفار داشته، حمل بر جواز کرده و روایاتی را که از [ضرب بر عثار] نهی می‌کند حمل بر افراط و زیاده‌روی در زدن می‌داند (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسایل، ۴۸۸/۱۱).

از تعلیل ذکرشده در روایت که می‌فرماید «فانها تری ما لاترون» می‌توان نتیجه گرفت که حیوانات را نباید در اثر نافرمانی زد؛ زیرا چه بسا آنها به اموری توجه دارند که

انسان‌ها، قدرت درک آن را ندارند و از آن غافل هستند. روایاتی که به این نکته اشاره دارد که حیوانات صدای عذاب جهنمیان را می‌شنوند و همین امر موجب سکون و توقف یک‌باره آنها می‌شود مؤید این ترجیح است. باید توجه داشت که گرچه "اضربوها" دلالت بر جواز زدن دارد، ولی این مجوز زدن حیوان نمی‌شود و در سیره بزرگان دین زدن حیوان دیده نشده است.

داغ نهادن بر حیوان

در گذشته در میان گله‌داران و افرادی که حیوان داشتند برای اثبات مالکیت خود بر حیوان به واسطه داغ نهادن، علامت‌گذاری می‌کردند و هر یک در قسمتی از بدن حیوان داغ می‌نهاد. در اسلام، داغ نهادن، به ویژه در صورت حیوانات، نهی شده است. پیامبر خدا (ص) وقتی الاغی را دید که صورتش را داغ نهاده‌اند [فرمود]: مگر نشنیده‌اید که من لعنت کرده‌ام آن کسی را که صورت حیوان را داغ بنهد یا بر صورت او تازیانه بزند؟ (أبو داوود سلیمان بن اشعث، بی‌تا: ۲۶/۳، ح ۲۵۶۴).

در بیان علت آن گفته‌اند: زیرا آنها تسبیح می‌گویند و حمد خدای را به جای می‌آورند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۹۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۸/۶۱، ح ۲۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۶/۹، ح ۲۴۹۷۹-۶۸؛ ح ۲۴۹۸۹-۲۴۹۸۶).

همچنین علی (ع) فرمود: «نهی رسول الله (صلی الله علیه وآله) آن توسم الدواب، فرب دابة مرکوبة خیر من راکبها و أطوع لله تعالی و أكثر ذکراً» (راوندی، بی‌تا: ۱۴، ۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۶۴، ذیل ح ۱۶). بنابراین، چنین صورتی مورد احترام است و باید به پاس تسبیح الهی از داغ نهادن بر صورت آنها پرهیز کرد. اما در صورت نیاز به علامت‌گذاری توصیه شده که در غیر صورت حیوان، یا در گوش او انجام شود. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت می‌کند که از امام درباره داغ نهادن بر چهارپایان پرسیدم. امام (ع) فرمود: در غیر صورت اشکالی ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسایل، ۴۸۵/۱۱، ب ۱۱، ح ۴).

همچنین در روایت ابن‌فضال از یونس بن یعقوب نقل شده است که می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم آیا می‌توانم بر صورت گوسفند داغ نهم و علامت‌گذاری کنم؟ امام پاسخ فرمود: بر گوش‌های آن علامت‌گذاری کن (حر عاملی، وسایل، ۱۴۰۹: ۴۸۵/۱۱، ب ۱۱، ح ۵).

از این رو شیخ طوسی می‌گوید: "سزاوار است بر قوی‌ترین و سخت‌ترین موضع بدن، که عاری از پشم و موی باشد، داغ نهند تا ضرری به حیوان نرسد" (طوسی، ۱۳۸۷: مبسوط: ۲۶۱/۱).

مثله کردن

در اسلام از بریدن گوش یا هر عضو دیگری از اعضای حیوان منع شده است. پیامبر (ص) از مثله کردن حیوان به شدت نهی کرد و کسی را که مرتکب چنین کاری شود مورد لعنت خداوند می‌داند: "لَعْنُ اللَّهِ مَنْ مَثَلَ بِالْحَيَوَانِ" (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۶/۹، ح ۲۴۹۷۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۴/۳، ج ۴۵۲۲)؛ لعنت خدا بر کسی که حیوانی را مثله کند! حضرت امیر (ع) هنگام ضربت خوردنش، به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) سفارش می‌کند که پس از شهادت ایشان، بیش از یک ضربه بر این ملجم نزنند و او را مثله نکنند و سپس با اشاره به سخن پیامبر (ص)، حتی مثله کردن سگ گزنده را نهی می‌کند (نهج‌البلاغه، ۴۲۲).

هراس نیفکندن

نباید حیوانات را رم داد و در بین آنها هراس افکند. امام علی (ع) در نامه‌ای به کارگزاران خود تذکر می‌دهد: "فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَلَا غَنِيْفٍ بِهِ، وَلَا تُتَفَرَّنْ بِهَيْمَةٍ وَلَا تُفْرِغَنَّهَا؛" آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتار نکن، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵).

منع توهین و لعن

اسلام افزون بر نهی آزار و اذیت جسمی حیوانات، از آزار روحی آنها نیز به شدت نهی کرده است؛ از این رو توهین زبانی و لعن حیوانات نیز امر ناپسندی شمرده شده، در روایات متعددی به آن اشاره شده است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: حیوانی که انسان بر او سوار شده، هر گاه دچار لغزش شود و صاحبش حیوان را بدبخت خطاب کند، در پاسخ گوید: بدبخت از ما کسی است که نسبت به پروردگار، نافرمان‌تر است (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل‌الشیعه، ۴۸۷/۱۱، باب ۱۲، ابواب احکام الدواب، ح ۱).

از علی (ع) در این باره وارد شده است که: به صورت چهارپایان نزنید و آنها را لعن نکنید؛ زیرا خدای متعال، شخصی را که چهارپایان را نفرین کند لعن کرده است (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۸۸/۲). لعن، درخواست عقوبت و دوری از رحمت الاهی است، برای کسی که استحقاق چنین عقوبتی را داشته باشد و حیوان چنین استحقاقی را ندارد (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۷۲: ۷۶۱/۲).

جوانمردی

در اسلام نیرنگ زدن و فریب دادن امری ناپسند است و از آن نهی شده است و در مقابل، بر صداقت و راستی تأکید شده است. در اسلام دروغ گفتن و نیرنگ زدن به حیوانات نیز نهی شده است. نمونه‌هایی از برخورد پیامبر (ص) با افرادی که به حیوانات نیرنگ زده‌اند گویای اهمیت دادن اسلام به برخورد صادقانه با حیوانات است؛ فردی می‌خواست حیوانش را بگیرد؛ چون حیوان با نشان دادن یک کاسه یا دامن صاحبش برای خوردن جو یا نمک، شرطی شده بود، صاحب حیوان با دست خالی و بدون جو یا نمک، چنان کرد و میچ حیوان را گرفت. پیامبر (ص) که این صحنه را تماشا می‌کرد، ناراحت شد و فرمود: «چرا به این حیوان دروغ گفتی؟! نباید او را فریب می‌دادی!».

یکی از همراهان پیامبر اسلام می‌گوید رسول خدا (ص) گوسفند را دوست داشت. یک روز گوسفندی وارد منزل شد و یک قرص نان را که نزدیک ما بود، برداشت و فرار کرد. فوری برخاستم و به دنبالش دویدم و آن را گرفته و نان را از دهانش برگرفتم. وقتی پیامبر این حرکت را از من دید، فرمود: کار شایسته‌ای نکردی؛ درست نبود که پشت گردن این حیوان را بگیری و بر او فشار بیآوری تا آن قرص نان را از دهانش برگیری (دُمیری، بی‌تا: ۴۴/۲).

در یکی از جنگ‌ها وقتی زن یکی از انصار اسیر شده بود و موفق شد با شتری از شتران پیامبر (ص) از محل اسارت بگریزد، چون خود را به مدینه رساند و خدمت پیامبر (ص) رسید، گفت: نذر کرده‌ام اگر نجات یافتم، شتر را قربانی کنم. پیغمبر فرمود: چه بد پاداشی به شتر داده‌ای! تو را حمل کرده و نجات داده، آنگاه تو می‌خواهی آن را نحر کنی؟! بدان که نذر در آنجا که معصیت خداوند است و یا تو مالک آن حیوان و چیز نذر شده نیستی، درست نیست و منعقد نمی‌شود (بیهقی، بی‌تا: ۷۵/۱۰).

حق دوستی

از برخی روایات می‌توان استفاده کرد که حیوان به گونه‌ای حق دوستی بر انسان پیدا می‌کند که سزاوار است مورد توجه قرار گیرد. آن دسته از روایاتی که از ذبح حیوانی که به دست انسان پرورش یافته نهی می‌کند دلالت بر ایجاد نوعی رابطه دوستی و عاطفی میان انسان و حیوان دارد؛ محمد بن فضیل می‌گوید به امام رضا (ع) عرض کردم: من برای قربانی، بره‌ای را پرورش دادم. چون او را گرفتم و خوابانیدم، نگاهی به من کرد، دلم برایش سوخت و با آن مدارا کردم، سپس سرش را بریدم. حضرت فرمود: دوست نداشتم چنین می‌کردی. این گونه نباشد که حیوانی

را پرورش دهی، سپس سرش را ببری (حر عاملی: وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۹۱/۲۴، ابواب الذبایح، باب ۴۰، ح ۱).

و نیز ابی‌صحراری می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: شخصی به یکی دو گوسفند، علف می‌دهد تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست ندارم. عرض کردم: شخص، شتر یا گوسفندی می‌خرد و برای او از اینجا و آنجا علف می‌چیند، تا اینکه روز قربانی فرا می‌رسد و در حالی که چاق شده، آن را سر می‌برد. حضرت فرمود: این کار را نکنند؛ ولی هر گاه وقت انجام چنین کاری رسید، داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و سر ببرد (همان: ۹۲/۲۴، ح ۲).

بر این اساس، نجفی، صاحب جواهر، در احکام ذبح می‌نویسد: "ناپسند است که انسان حیوانی را که خود پروریده، سر ببرد" (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۳۸/۳۶).

رفتار عادلانه

عدالت از مفاهیم اساسی و اصولی و ارزشمند در اسلام است، که فطرت سلیم هر انسانی از آن دفاع می‌کند. اسلام به برقراری عدالت در میان حیوانات نیز توجه خاص دارد. علی (ع) به کارگزاران خود دستور می‌دهد که میان حیوانات نیز عدالت را رعایت کنند: "مواظبت از آنها را به فردی خیرخواه، مهربان، امین و شایسته بسپار، کسی که بر حیوانات اذیت نرساند و آنها را تند نراند و رنج ندهد. سپس هر چه از صدقات و زکوات جمع‌آوری کردی نزد ما بفرست تا ما آنها را به آن مواردی که پروردگار دستور فرموده مصرف کنیم وقتی کسی را که مورد اعتماد توست و آن اموال را قبول زحمت می‌کند یافتی، به او سفارش کن که بین شتر مادر و بچه‌اش جدایی نیندازد و شتر مادر را آن قدر ندوشد که برای بچه‌اش شیری نماند و اذیت شود. و در سوار شدن بر آن خسته‌اش نکند و میان آن و سایر شتران عدالت را رعایت کند و باید شتر خسته را آسوده بگذارد و زیادی از آن کار نکشد و اگر از راه رفتن ناتوان شده او را آرام براند. و وقتی به آبی‌ها می‌رسند مهلت آب خوردن به آنها بدهد و هنگام عبور آنها از سبزه‌زارها به جاده‌ها نکشاند. و در لحظاتی آنها را به حال خود بگذارد و به هنگام آب خوردن و چریدن مهلتشان دهد، تا به اذن پروردگار فربه و نیرومند و نه خسته و بیمار و لاغر نزد ما برسند تا به دستور قرآن و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) آنها را بین مسلمانان تقسیم کنیم و البته این کار پاداش تو را بسیار می‌کند و به نیک‌بختی نزدیک‌ترت می‌سازد، ان شاء الله (ترجمه روان نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۹۶۹).

امام بر رعایت حقوق حیواناتی که به منزله زکات در دست کارگزارش قرار دارند، اهتمام بیشتری دارد؛ زیرا این نوع حیوانات، اسیر آن کارگزارند و مال دیگران هستند، چه بسا که کارگزار به سیری و گرسنگی آنها توجه نداشته باشد و به آن اهمیت ندهد.

از این‌روی، امام (ع) بر رعایت حقوق حیواناتی که در دست غیرمالکان آنها هستند و سود مستقیمی برای نگه‌داری‌کنندگان ندارد، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه حضرت، حفظ و رعایت حقوق حیوانات را به نظام دینی و الهی نسبت می‌دهد و برای این کار اجر و مزد اخروی و معنوی قائل می‌شود: «فَإِنَّ ذَلِكَ أَكْبَرُ لِأَجْرِكَ، وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

حق مادری

یکی از مهم‌ترین و شدیدترین عواطف در عالم هستی، عاطفه بین مادر و فرزند است و از دردناک‌ترین دردها جدایی بین مادر و فرزند. در موارد زیادی دیده شده است که حیوانات به خاطر دفاع از فرزندشان جان خود را به خطر انداخته‌اند. در اسلام از جدایی افکندن بین حیوان و نوزادش نهی شده و به احساسات و عواطف حیوان و فرزندش توجه شده است.

پیامبر (ص) فرمود: در میان اقوام گذشته، مردی لانه پرندگی را پیدا کرده بود و هر گاه آن پرنده، جوجه‌دار می‌شد آنها را می‌گرفت و می‌برد. آن پرنده (مادر) از کاری که بر سرش می‌آمد، به خدای تعالی شکایت کرد؛ خدای متعال به او الهام کرد که اگر آن مرد برگشت، او را هلاک خواهیم کرد (دمیری، بی‌تا: ۲۰۸/۲).

ابن مسعود می‌گوید نزد رسول خدا بودیم که مردی وارد جنگلی شده، تخم پرندگی را با خود آورد. پرنده مادر به دنبال ما آمده، بر گرد ما می‌چرخید و بال‌بال می‌زد. وقتی پیامبر این صحنه را دید، فرمود: "کدام یک از شما، این پرنده را آزرده و مصیبت‌زده کرده است؟ مرد گفت: من تخم یا جوجه او را برداشتم. حضرت فرمود: به او رحم کنید و آن را به او رد کنید! به او رد کنید! (دمیری، بی‌تا: ۱۹۱/۱ و ۱۹۲، به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۶۴، ۷۲ و ۳۰۷).

در روایت دیگری از عامر الرام نقل شده است که: در محضر رسول خدا (ص) نشسته بودیم که در این هنگام مردی عبا به دوش آمد، در حالی که چیزی در دست داشت و آن را در گوشه عبایش پیچیده بود. آن مرد گفت: ای رسول خدا! چون شما را از دور دیدم، به طرفتان آمدم. در مسیر، از کنار چند درخت انبوه گذشتم که صدای جوجه‌های پرنده از آن می‌آمد. رفتم آنها را گرفتم و در لای عبایم گذاشتم. وقتی چنین کردم، مادرشان آمد و بر دور سر من می‌چرخید؛ من هم لای عبا را برایش باز کردم و او نیز روی جوجه‌هایش افتاد، من هم عبا را پیچیده و همه آنها را با هم آوردم.

رسول خدا (ص) فرمود: آنها را بر زمین بگذار! آنها را بر زمین گذاشتم، اما دیدم که مادرشان از آنها جدا نمی‌شود و فرار نمی‌کند! رسول خدا به همراهانش فرمود: «آیا از

رأفت یک مادر جوجه برای جوجه‌هایش، تعجب می‌کنید؟! گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: «قسم به آن کسی که مرا به حق نبی مبعوث کرد، خدا به بندگانش مهربان‌تر است از مادر این جوجه‌ها به بچه‌هایش! ای مرد، آنها را به همان جایی برگردان که آورده‌ای!» من هم آنها را برگرداندم.

یکی از یاران پیامبر (ص) می‌گوید یک شتر شیرده را به رسول خدا هدیه کردند. ایشان، مرا امر فرمود تا آن را بدوشم. من نیز آن را دوشیدم؛ البته برای دوشیدن آن، بسیار تلاش کردم و سخت آن را دوشیدم، به گونه‌ای که وقتی آن جناب زیاده‌روی مرا در دوشیدن دید، فرمود: این‌گونه ندوش! برای بچه او نیز سهمی بگذار (دُمیری، بی‌تا: ۳۱۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۹/۶۴، ح ۱؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۹/۳).

حق پناهندگی

بر اساس آموزه‌های اسلامی و آداب پسندیده اجتماعی، اگر شخصی به کسی پناهنده شد و از او یاری طلبید باید به یاری او شتافت و او را کمک کرد. این آموزه اسلامی و این حق، برای چارپایان و جانداران بی‌آزاری که به منزل انسان پناه می‌آورند نیز ثابت است. حلی به نقل از عمار بن موسی و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: "فضله پرستو، اشکال ندارد. این پرنده قابل خوردن است، اگرچه این کار، ناپسند است؛ زیرا آن پرنده به تو پناه آورده و در منزلت جای گرفته. هر پرنده‌ای به تو پناه آورد، به او پناه ده" (حر عاملی، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ۳۹۳/۲۳، کتاب الصيد والذبیح، باب ۳۹، ح ۵).

نه تنها پناه دادن حیوان مورد سفارش پیامبر (ص) است، بلکه ایشان به مواظبت از حیوان در موارد مختلفی دستور داده‌اند: رسول رحمت (ص) هنگامی که با سپاه اسلام برای فتح مکه می‌رفت سگی را دید که بر بچه‌هایش زوزه می‌کشید و آنان شیرش را می‌خوردند. به جَعیل بن شَراقه فرمود که کنار (و جلو) آن حیوان بایستد و از او مراقبت کند تا مبادا سپاهیان که از آنجا می‌گذرند به او و بچه‌هایش، آسیبی برسانند (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۵ و ۲۹/۷).

حق بهره‌بری درست

از جمله حقوق حیوان بر صاحبش این است که از او استفاده درست ببرد و آن را در مسیر همان هدفی که برای آن آفریده شده به کار گیرد. در اسلام افزون بر استفاده‌های مختلف از حیوان به محدودیت‌ها نیز تصریح شده که این حاکی از بهره‌برداری صحیح از حیوان است. در اینجا به نمونه‌هایی مختصر از دستورهای اسلام از بهره‌برداری صحیح از حیوانات اشاره می‌کنیم:

بسیاری از حقوق و احکام چارپایان و جانداران می‌توانند بر ناپسند بودن، یا حرام بودن آزدن آنها استوار باشد. سکونی از امام صادق (ع) و او از پدرانیش از علی (ع) نقل می‌کند که پیامبر خدا (ص) فرمود: حیوان بر گردن صاحب خود شش حق دارد: وقتی پیاده شد به او علف بدهد و وقتی از کنار آب رد می‌شود آب را به او عرضه کند و بر صورت او نزند. زیرا او پروردگارش را حمد و تسبیح می‌گوید و بر پشت او (به هنگامی که راه نمی‌رود) نماند مگر در راه خدا و بالاتر از توان او چیزی را بر او تحمیل نکند و بیشتر از توان او، او را وادار به راه رفتن نکند (برقی، ۱۳۷۱: ۶۳۳/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۶۴؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۱۳۴۴/۳، ج ۴۵۲۴).

علی (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که ایشان فرمود سه نفر در ردیف هم بر یک حیوان سوار نشوند؛ زیرا [در این صورت] یکی از ایشان از رحمت خدا به دور خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۰۹: وسائل‌الشیعه، ۴۹۶/۱۱، باب ۱۹، ح ۳). رسول خدا (ص) فرمود: آنکه جلوتر سوار شده است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۲۷/۲؛ صدوق، خصال، ترجمه فهری، بی‌تا: ۱۱۲/۱). چون بیشتر چنین است که اولی دیگران را دعوت بر سوار شدن می‌کند و یا از این جهت است که غالباً نفر اول در سمت گردن حیوان است و خطر سقوط دارد.

قطاری از شتران امام صادق (ع) می‌گذشت. چشم آن حضرت به شتری افتاد [که بر اثر بار سنگین] کج شده بود. حضرت خطاب به غلامی که عهده‌دار کار آنها بود فرمود: ای غلام! به این شتر عدالت روا بدار که خداوند، عدالت را دوست دارد (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ۱۴۰۹: ۵۴۱/۱۱، ابواب احکام الدواب، باب ۵۰، ح ۱).

پیامبر (ص) فرمود: بارها را قسمت عقب پشت حیوان باربر قرار دهید؛ زیرا داستان حیوان بسته و پاهای او استوار است (همان، ح ۲).

حق کام‌یابی

یکی از گرایز مهم در انسان غریزه جنسی است و یکی از مهم‌ترین فواید این غریزه حفظ نسل است. این غریزه در حیوانات هم به ودیعت نهاده شده است و اسلام این حق را برای آنها محترم شمرده است. خداوند به حضرت نوح (ع) دستور می‌دهد که از هر حیوان، یک جفت (نر و ماده) را با خود به همراه ببرد (بقره: ۱۶۴). یکی از اهداف مهم این دستور حفظ نسل و جلوگیری از نابود شدن حیوانات است. این در حالی است که برخی به خاطر استفاده بیشتر و رشد بیشتر حیوان و چاق شدن آن به عقیم کردن حیوان و خصی کردن اقدام می‌کنند. در روایات از این عمل نهی شده است و حق کام‌یابی و تولید مثل را برای حیوانات محترم شمرده است. در برخی از روایات، عقیم‌سازی حیوان را مثله کردن آن شمرده و از آن نهی کرده‌اند.

عن عبدالله بن نافع: ان النبی(ص) نهی عن اخصاء الخیل و الغنم و الدیک؛ پیامبر اعظم (ص) از اخته کردن اسبها، گوسفندان و خروس نهی فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۶۲، ح ۲۴۹۷۷). امام باقر (ع) عقیم‌سازی و به جان هم انداختن حیوانات را ناپسند می‌دانست (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۶۳۴/۲).

در نوادر راوندی آمده که علی (ع) فرمود: مردی از اهالی نجران در یکی از جنگ‌ها، همراه رسول خدا (ص) بود. با این شخص، اسبی بود که پیامبر به شیهه او، انس پیدا کرده بود. چندی اسب از صحنه به دور شد و دیده نمی‌شد و شیهه آن به گوش حضرت نمی‌رسید. پس حضرت به دنبال آن مرد فرستاد و خطاب به او فرمود: با اسب چه کردی؟ عرض کرد: دیدم اسب پرشهوئی است، عقیمش کردم. حضرت فرمود: آن را مثله کردی! بر پیشانی اسب تا روز قیامت، خیر نوشته شده و صاحبانش بر آن یاری می‌شوند. یال اسب، وقار آن و پیشانی‌اش، زیبایی آن و دمش، نشانه قدرت است (راوندی، بی تا: ۳۴).

جمع‌بندی و ارزیابی

در اسلام، در خصوص حقوق حیوانات سفارش زیادی شده است و حق آن را در زمره «حق‌الله» قرار داده‌اند. سیره پیامبر و بزرگان دین در رعایت و سفارش این حقوق عنایت آن بزرگواران را به رعایت حقوق حیوانات می‌رساند. با توجه به اینکه تنها راه ساقط شدن حقوق حیوانات ادای آن است، بیان ظریف پیامبر خاتم (ص) بهتر تبیین می‌شود که اگر ستم انسان‌ها به حیوانات بخشوده شود، بسیاری از گناهان بخشوده می‌شود.

با توجه به اهمیت الگو در زندگی انسان‌ها، بزرگان دین و افرادی که گفتار و رفتارشان در میان مسلمانان حجت است، نمونه عملی رفتار با حیوانات را به نمایش گذاشته‌اند. این الگویی عملی برای بشریت است که در ادیان غیرالاهی چنین الگویی وجود ندارد.

در اسلام، به تغذیه حیوان توجه فراوان شده است و در متون فقهی از واژه «نفقه حیوان» استفاده شده است که تعبیری عام است و افزون بر آب و غذا، شامل مسکن، بهداشت و درمان هم می‌شود. گستره نفقه حیوانات در فقه اسلامی شامل هر چیزی است که برای معیشت و حیات حیوان ضروری است. نگاه اسلام به حقوق حیوانات نگاهی است جامع و برای حیوان حق احترام قائل است و از هر گونه آزار و اذیت حیوان و حتی دشنام دادن و لعن کردن آن نهی می‌کند.

در اسلام، از یک سو، از حقوق حیوان‌ها سخن گفته شده و از سوی دیگر، برای انسان‌ها تکالیفی مقرر شده است؛ یعنی اگر انسان‌ها در رعایت حقوق حیوان‌ها کوتاهی ورزند، معصیت کارند و در روز قیامت، مجازات می‌شوند. همچنین، در اسلام، برای رعایت حقوق حیوانات از ضمانت بسیار قوی استفاده شده است؛ در صورت توجه به حیوان به ثواب الاهی بشارت داده‌اند و به خاطر بی‌توجهی و آزار حیوان به عذاب، لعن و دوری از رحمت خداوند انذار داده شده است. برای خنک کردن هر صاحب جگر تشنه‌ای، اجری در نظر گرفته شده است و نجات سگ تشنه‌ای از هلاکت و سیراب کردن و احسان به این حیوان هرچند از طرف زن بدکاره‌ای، موجب آمرزش گناهان می‌شود.

افزون بر اجر و مزد اخروی و معنوی برای حفظ و رعایت حقوق حیوانات، رعایت این حقوق موجب رشد روحی و قرب الاهی انسان نیز می‌شود. در اسلام، تنها به اجتناب از اذیت و آزار جسمی حیوان سفارش نشده است؛ بلکه از آزار روحی حیوان نیز نهی شده است و برای حیوان روح و احساس و شعور و درک قائل می‌شوند؛ از این‌رو نمی‌توان او را مورد لعن و دشنام قرار داد و به او نیرنگ زد.

هرچند آفرینش هستی برای انسان است و او گل سرسبد گیتی است، ولی از طرفی دیگر بیان شده است که چه بسا مرکوبی از سوارش بهتر باشد و این ایده باعث می‌شود که انسان به خود اجازه ندهد هر گونه که هوس می‌کند و منافع و سود او ایجاب می‌کند، با حیوان برخورد کند.

ذکر و تسبیح‌گویی حیوان و دعا برای اینکه خداوند صاحبی به او عطا کند که به آب و علف او توجه داشته باشد، و اینکه گاه حیوان بیشتر از انسان خداوند را یاد می‌کند، به انسان می‌آموزد که اگر از مقام انسانیت فاصله گیرد از حیوانات هم پست‌تر می‌شود. از این‌رو، اسلام به حیوانات به عنوان مخلوق الاهی می‌نگرد و مسلمان حق ندارد به آنها دروغ بگوید، نیرنگ بزند و حتی شراب بنوشاند و باید از زدن به صورت حیوان و داغ نهادن بر صورت آنها پرهیز کرد. آتش زدن و سوزاندن حیوانات نیز در اسلام نهی شده است، مگر در جایی که حیوان مورد وطی انسان قرار گرفته است. در این مورد حیوان را زنده زنده نمی‌سوزانند، بلکه پس از ذبح، توصیه به سوزاندن آن شده است که برای خود حکمت و مصلحتی دارد.

در اسلام مالک، مردم و حاکم در زمینه نفقه حیوان مسئولیت دارند. در نظام سیاسی اسلام حکومت جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام بر رعایت حقوق حیوانات از سوی کارگزاران،

اهتمام بیشتری دارد؛ زیرا این نوع حیوانات، اسیر آن کارگزارند. لزوم رسیدگی به حیوان و نجات جان او در اسلام تنها بر عهده مالک حیوان نیست و حتی نهی مالک حیوان نیز این لزوم را ساقط نمی‌کند؛ بنابراین، اگر مالک، دیگران را از آب و علوفه دادن به حیوانش نهی کرد، بر سایرین که به حیوان دسترسی دارند واجب است به حیوان آب و غذا دهند تا تلف نشود.

هرچند فقه اسلامی از تکلیف سخن می‌گوید، ولی زیبایی‌ها، جلوه‌ها و نکته‌های اخلاقی خاصی دارد. اسلام از جدایی افکندن بین حیوان و نوزادش نهی می‌کند و به احساسات و عواطف حیوان و فرزندش توجه دارد. همچنین، حق پناهندگی برای چارپایان و جانداران بی‌آزاری که به منزل انسان پناه می‌آورند، ثابت است. اسلام حق تولید مثل را برای حیوانات محترم شمرده، عقیم‌سازی حیوان را مثله کردن آن می‌داند و از آن نهی کرده است. خداوند به پیامبرش دستور حفظ نسل و جلوگیری از نابود شدن حیوانات را می‌دهد.

در اسلام، حیوان، برخوردار از شأن و کرامت است و انسان حق ندارد به بهانه اشرف آفریده‌ها بودن، مقام این آفریده را نادیده انگارد. توجه اسلام به حیوانات توجه عام است؛ یعنی هم شامل حیوانی که قابل استفاده است و سوددهی دارد می‌شود و هم شامل حیوانی که از استفاده افتاده باشد، می‌شود. خواه خوراکی باشد یا نباشد، خواه حلال گوشت باشد یا غیر آن، خواه پرنده باشد و یا غیر آن؛ زیرا حیوان برای خود حرمت و احترام دارد. هرچند حیوان مشرف به مرگ باشد.

در اسلام نه تنها به حقوق حیوانات توجه شده، بلکه به علت‌های احکام در موارد زیادی عنایت شده است: حیوانی که در دست خود محبوس کردی اگر تشنه و گرسنه شود، زبان نداشته و قادر بر سخن گفتن نیست؛ بنابراین، او را آب و غذا بده و در غیر این صورت او را رها کن تا در گیاهان صحرا بچرد، اینکه حیوان زبان دفاع از خود را ندارد فطرت پاک انسان را در کمک به دیگر موجودات برمی‌انگیزد (هاشمی خویی، ۱۳۵۸: ۱۴۶/۵).

پیامبر (ص) از تمام موقعیت‌ها برای بیان حقوق حیوانات و راه‌حل‌ها استفاده می‌کرد و به عنوان یک رهبر الهی هم به تبیین احکام آسمانی می‌پرداخت و هم خود حقوق را رعایت می‌کرد و هم در صورت نادیده گرفتن این حقوق از جانب مسلمانان به آنها تذکر لازم را می‌داد. وقتی انسان به رعایت حقوق حیوانات ملزم شده است به طریق اولی باید حقوق هم‌نوعان خود را نیز رعایت کند و با انسان‌های دیگر صادقانه و عادلانه و

مشفقانه برخورد کند. از مجموع مطالب، به آسمانی بودن تعالیم دین اسلام که قرن‌ها از سابقه آن می‌گذرد، پی می‌بریم و عام بودن و جامعیت آن مرهون الاهی و آسمانی بودن این دستورهاست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر (بی‌تا). *اسد الغابه*، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۳. ابن سعد، محمد (بی‌تا). *الطبقات الكبرى*، بیروت: انتشارات دار صادر.
۴. ابو داوود سلیمان بن اشعث (بی‌تا). *سنن أبی داوود السجستانی*، بیروت: دار احیاء السنه النبویه.
۵. ارفع، سید کاظم (۱۳۷۹). *ترجمه روان نهج البلاغه*، تهران: انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم.
۶. بحرانی، یوسف (۱۳۶۳). *حلائق الناظره فی احکام العترة الطاهرة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین حسینی، قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۸. بیهقی، احمد (بی‌تا). *السنن الكبرى*، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۹. جبلی عاملی (شهید ثانی)، شهید زین‌الدین (۱۳۷۲). *روضه البهیه فی شرح لمعة الدمشقیه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة السابعة.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام، چاپ اول.
۱۲. حر عاملی، شیخ محمد (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*، قم: چاپ مهر، مؤسسه آل‌البتین، الطبعة الثانية.
۱۳. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۴. حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۴). *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: انتشارات مؤسسه سید الشهداء.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۲). *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البتین للاحیاء التراث.

۱۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۷. خزائلی، محمد (۱۳۷۰). شرح بوستان، تهران: جاویدان، چاپ هشتم.
۱۸. دمیری، شیخ کمال الدین (بی تا). حیاة الحیوان الکبری، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۱۹. راوندی، سید فضل الله (بی تا). النوادر، قم: مؤسسه دار الکتاب، چاپ اول.
۲۰. الزرقانی المصری الازهری، محمد بن عبد الباقي بن یوسف (۲۰۰۳/۱۴۲۴). شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، مكتبة الثقافة الدينية.
۲۱. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۴). ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
۲۲. الشریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول.
۲۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: شیخ عادل احمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۲۴. صدوق (۱۳۶۴). ثواب الأعمال، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۵. صدوق (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
۲۶. صدوق (۱۳۷۶). امالی (مجالس الصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۲۷. صدوق (۱۳۸۲). خصال، ترجمه: یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، چاپ اول.
۲۸. صدوق (بی تا). خصال، ترجمه: سید احمد فهری، تهران: علمیه اسلامی، چاپ اول.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۰. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق: السید محمد تقی کشفی، تهران: مکتبه مرتضویه لاحیاء آثار جعفریه، چاپ سوم.
۳۱. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ چهارم.
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی جبلی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: بنیاد معارف اسلامی، الطبعة الاولى.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۴. فاضل اصفهانی هندی (۱۴۱۶). کشف اللثام، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۵. فاضل مقداد (۱۴۰۴). *التنقيح الرائع لمختصر الشرايع*، قم: نشر کتابخانه آیت‌الله مرعشی، الطبعة الاولى.
۳۶. فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۹). *گفتار فلسفی: اخلاق از نظر هم‌زیستی و ارزش‌های انسانی*، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۳۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۹. متقی هندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال*، بیروت: انتشارات مؤسسه الرساله.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية.
۴۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات مؤسسه دارالحدیث، چاپ دوم.
۴۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *حکمت‌نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ اول.
۴۳. مقیمی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *حقوق حیوانات در اسلام*، قم: نورالسجاد، چاپ اول.
۴۴. موسوی عاملی، سید سند محمد بن علی (۱۴۱۰). *مدارک الاحکام*، مشهد: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى.
۴۵. نجفی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة.
۴۶. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۵۸). *منهاج البراعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه، الطبعة الرابعة.